

فلسفه ملال

لارس اسوندرسن

ترجمه
افشین ملک‌پور

فرهنگ‌نشر نو
با همکاری نشر آسیم
تهران - ۱۳۹۴

فلسفه ملال

ترجمه

از

افشین خاکباز

A Philosophy of Boredom

Lars Svendsen

Reaktion Books, London, 1994

First published by Universitetsforlaget, Oslo,
under the title Kjedsomhetens filosofi
Translated into English by John Irons

فردا نشر نو

تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم، شماره سیزده

تلفن ۸۸۷۴۰۹۹۱

۱۳۹۴ خورشیدی

چاپ اول

شمارگان

از ویرساران

رتضی فکوری

طرح یونیفورم

میرد جهل مقدم

چاپ

اری نو

ناظر چاپ

حسین میرچی

ناشر از کمک‌های علمی دکتر میثم محمدامینی سپاسگزاری می‌کند.

همه حقوق محفوظ است.

فهرست کتابخانه ملی

سرشناسه

Svendsen, Lars P. H. ۱۷۰، لارس افار. هو.

عنوان و نام پدیدآور

فلسفه ملال / لارس اسوندسن؛ ترجمه افشین خاکباز.

مشخصات نشر

تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری

۲۲۴ ص.

فروست

کتابخانه فلسفه زندگی؛

شابک

۹۷۸-۶۰۰-۷۴۳۹-۴۶-۳

وضعیت فهرست‌نویسی

فیا

شناسه افزوده

خاکباز، افشین، ۱۳۴۳، مترجم

رده‌بندی کنگره

BF۵۷۵/ل۲ف۸ ۱۳۹۴

رده‌بندی دیویی

۱۵۲/۴

شماره کتابشناسی ملی

۳۹۳۵۲۱۴

مرکز پخش

آسیم

تلفن و دورنگار

۸۸۷۴۰۹۹۲-۵

قیمت

۱۶۰۰۰ تومان

پیش‌گفتار ۷

مسئله ملال

ملال به مثابه مشکلی فلسفی ۱۱

ملال و فلسفه ۲۲

ملال و معنا ۳۰

دل، کار و فراغت ۳۸

ملال و مرگ ۴۲

انواع ملال ۴۷

ملال و تازد ۵۲

داستان‌ها و دل

آکدیا: ملال، پیدامدل ۵۷

از پاسکال تا پستول ۶۱

ملال رومانتیک، از ریدینگ تا دیوانه آمریکایی ۷۰

درباره ملال، جسم، فقرری و مرزشکنی: تصادف ۹۷

ساموئل بکت و امکان‌ناپذیری معنای شخصی ۱۱۲

اندی وارهل: نگویش معنای شخصی ۱۲۰

پدیدارشناسی ملال

در باب حاملندی ۱۲۹

هستی‌شناسی: هرمنوتیک ملال ۱۴۰

اخلاق ملال

منظور از من چیست؟ ۱۶۳

ملال و تاریخ انسان ۱۶۵

تجربه ملال ۱۷۰

ملال و بلوغ ۱۸۳

کلام آخر ۱۸۹

یادداشت‌ها ۱۹۳

نام‌نامه ۲۱۹

خوانندگان محترم توجه دارند که مسئله ملال معبد
است که انسان معاصر را بیش از همیشه درگیر خود برده
است و بی‌تردید بخش مهمی از آن نتیجه استیلای تمدن
ماده‌گرا و دور شدن انسان از معنویات است. روشن است
که آراء و نظرات اندیشمندان غربی تابع مکتب فکری
خاص هر يك از آنهاست و جای نقد فراوان دارد. ناشر

پیش گفتار

علت این که به فکر انتشار این کتاب افتادم ملال عمیقی بود که مدتی مرا گرفتار خود کرده بود. ولی آنچه باعث شد اهمیت این موضوع را واقعاً درک کنم مرگ یکی از دوستان نزدیکم، به سبب مشکلات ناشی از ملال، بود. کار به جایی رسیده بود که باید همچون رمبو می پذیرفتم که «دیگر ملال محبوب من نیست.»^۱ ملال دیگر تنها رستی معصومانه یا مشکلی جزئی نبود. گلابی رمبو از «جان دادن از ملال»^۲ که بعدها در بسیاری از ترانه های موسیقی پاپ و راک، از ملول تا سرحد مرگ جی. جی. آلین گرفته تا کاری رای کردن پیش مود، تکرار شد، ناگهان لباس واقعیت پوشید. این ترانه ها به موسیقی متن زندگی ما تبدیل شدند. می دانستم این تجربه محفل یاران نزدیک محدود نیست، بلکه نشانه مشکلی جدی در ارتباط با معنا در کل فرهنگ معاصر ما نیز هست. تلاش برای بررسی مشکل ملال به معنای تلاش برای درک این است که کیستیم و در این برهه خاص از زمان در دنیا چه جایگاهی داریم. ما در دل فرهنگ ملال

زندگی می‌کنیم، و فلسفه ملال تلاش فروتنانه من است برای کنار آمدن با این فرهنگ.

در سطحی دانشگاهی‌تر، نارضایتی از فلسفه معاصر انگیزه کار من بود. امانوئل لویناس اندیشه معاصر را اندیشه‌ای می‌داند که از درون دنیایی می‌گذرد که هیچ نشانی از انسان در آن نیست. ۱۳ از سوی دیگر، ملال چیزی انسانی - زیاده انسانی - است.

کتاب حاضر مقاله‌ای بود که در دورانی نوشتم که توجهم را به مسئله فرزند معطوف کرده بودم. پس از پایان یک طرح پژوهشی طولانی‌مدت، من استراحت کنم ... و دست به هیچ کاری نزنم. ولی معلوم شد که این کاری نشدنی است و نمی‌توانم هیچ کاری نکنم. بنابراین فکر کردم بهتر است کاری بکنم و کتاب حاضر حاصل این فکر بود.

اغلب برای بیان چیزهایی که ما را عذاب می‌دهند از مفاهیمی که به‌خوبی پرورده شده باشند بی‌بهره‌ایم. در واقع، تعداد اندکی به‌دقت به مفهوم ملال اندیشیده‌اند. معمولاً ملال رچسبی سفید است که بر هر چه نتواند علاقه ما را برانگیزد می‌چسبیم. ملال، بیش و پیش از هر چیز، به‌جای این که موضوع اندیشه‌های من باشد ما باشد چیزی است که با آن زندگی می‌کنیم. با وجود این، می‌توانم بگویم تا مفهوم‌هایی را برای ملال ایجاد کنیم تا بهتر بفهمیم هنگامی که در چنگال ملال گرفتاریم چه چیزی ما را عذاب می‌دهد. کتاب حاضر کوششی است برای اندیشیدن در این باره که ملال چیست، چه زمانی ایجاد می‌شود، چرا چنین است، چرا به آن گرفتار می‌شویم، چگونه بر ما مستولی می‌شود، و چرا نمی‌توان با نیروی اراده بر آن غلبه کرد.

ولی بگذارید بگویم که اگرچه هر آنچه در این کتاب می‌بینید به دلیل ارتباطش با ملال مطرح شده است، مسلماً ملال فقط یکی از جنبه‌های هستی انسان است و به هیچ وجه بر آن نیستیم تا همه زندگی انسان را به جلوه‌ای از ملال فروبکاهیم.

این که شکل درست پرداختن به موضوع را بیابیم اهمیت بسیاری دارد. زمانی خواندن مقاله‌ای فلسفی درباره عشق را آغاز کردم. بعد از چند سطر به این جمله رسیدم: «باب فقط و فقط در صورتی عاشق کیت است که ...». در این جا دست از خواندن کشیدم. این شیوه صورتی برای پرداختن به موضوعی همچون عشق شیوه مناسبی نبود، چون به احتمال خوب، پدیده مورد نظر در فرایند بررسی از بین می‌رفت. بنابراین، خوانندگان محترم نباید توقع جملاتی از این دست را داشته باشند که «پیتز فقط و فقط در صورتی ملول است که ...». همان طور که ارسطو می‌گوید، نمی‌توانیم در همه موضوعات به دنبال میزان یکسانی از دقت باشیم، بلکه باید همان میزانی که برای آن موضوع خاص میسر است قناعت کنیم. ملال پدیده‌ای مبهم و متنوع است و به نظر من مناسب‌ترین شیوه برای بررسی آن همان طولانی است نه رساله‌ای تحلیلی. بنابراین بیش از آن که در پی استدلال و سنجش باشم، می‌خواهم مجموعه‌ای از طرح‌های ساده را ارائه کنم که امیدوارم ما را به درک ملال نزدیک‌تر کند. از آن جا که پدیده ملال گسترده و متنوع است، رویکردی میان‌رشته‌ای را می‌طلبید. بنابراین، کار خود را بر متن‌هایی از رشته‌های مختلف، از قبیل فلسفه و ادبیات و روان‌شناسی و الهیات و جامعه‌شناسی، مبتنی ساخته‌ام.

کتاب حاضر شامل چهار فصل اصلی است: طرح مسئله، داستان‌ها، پدیدارشناسی، اخلاق. در فصل نخست، شرحی کلی از

جنبه‌های مختلف ملال و رابطه آن با مدرنیته ارائه می‌دهم. فصل دوم، به ارائه برخی از داستان‌های ملال اختصاص دارد. یکی از نظریه‌های اصلی که در این بخش مطرح می‌شود این است که از نظر تاریخ اندیشه‌ها، رومانتیسم برای درک ملال در دوران مدرن بنیادی‌ترین نقش را ایفا می‌کند. فصل سوم بر پژوهش‌های پدیدارشناسانه هایدگر درباره ملال متمرکز است. در فصل چهارم، این بحث را مطرح می‌کنم که در برابر ملال چه موضعی می‌توانیم اتخاذ کنیم و چرا مجبور هستیم چنین موضعی بگیریم. اگرچه می‌توان هر یک از این چهار فصل را به صورت جداگانه مطالعه کرد، ولی این فصل‌ها با رشته سسپ به کدیگ متصل می‌شوند.

سعی کرده‌ام این کتاب را با سبکی غیرفنی بنویسم؛ چون ملال تجربه‌ای است که بر بسیاری از افراد اثر می‌گذارد و علاوه بر این، می‌خواهم که این کتاب قابل فهم باشد. با وجود این، برخی از فصل‌های کتاب حاضر بسیار دشوار است، چون در بسیاری از موارد با موضوعات دشواری ارتباط دارد. در طول نگارش این کتاب، دوستان و همکاران نظرات گران‌قدر و ارزشمندی خود را از من دریغ نکرده‌اند. از آنان برای کمکی که به نگارش این کتاب کرده‌اند، و به‌ویژه برای این که در زمانی که نمی‌توانستم به‌جز موضوع این کتاب درباره هیچ چیز دیگری سخن بگویم مرا تحمل کردند، سپاس‌گزارم. از اشتال فینک، الِن - مری فراسبرگ، آن گرانبرگ، هلگ یودرهیم، تامس نیلسون، هیلد نورگرن، اریک تورستنسن، و نات اولاف آماس برای اظهار نظرهای مفصلشان درباره نسخه پیش از انتشار سپاس‌گزارم.